

## هوالله

ای راسخ پیمان و ثابت دل و جان عبدالبهاء در این روزها عازم امریکاست و نهایت رجا بدرگاه جمال ابهی مینماید که در این غیوبت یاران الهی در صون حمایت حضرت احدیت باشند و بترویج آئین مبین پردازند تا سینه‌ها آئینه گردد و از زنگ کینه پاک و ممتاز شود عالم انسان پرتو یزدان گیرد و مهر و محبت صمیمی حقیقی جلوه نماید و وحدت بشر ظاهر و عیان گردد آن یار مهربان همیشه در خاطر مشتاقانست و از رفتار و کردار آن این آواره بادیه محبت الله خوشنود و شادمان در خدمت نور مبین از جمیع جهات قصور نمودی سعی مشکور مبذول داشتی در فکر هدایت ناسی و در نورات خلیق بجان میکوشی تا خفته‌ئی بیدار نمائی و غافلی هوشیار فرمائی و مافوق طاقت بخدمات گوناگون میپردازی یقین است که مؤید و موفق میشوی

از برای نفوسی که نامه خواستی تحریر گردد و ارسال شود الحمد لله انوار صبح احدیت در آفاق در نهایت انتشار است و نامه‌های مفصل بعضی بهزار اسم مزین از امریکا میرسد و از آشنا و بیگانه مکاتیب مخصوصه میآید و از مجامع عظمای امریک مراسلات پیاپی است و جمیع خواهش سفر عبدالبهاء بان صفحات مینمایند و در نهایت عطش و خواهشند لهذا مجبور بر این سفرم اما قلب من در شرقست زیرا مطلع شمس حقیقت است و جان و وجدانم بیاد یاران الهی در ایران خوشنود و شادمان در ایام مصائب و بلا یا یاران شرق جانفشانی نمودند و تحمل هر صدمه و بلائی کردند هیچ صبحی راحت نجستند و هیچ شامی آرام نخواستند روزها در تحت تازیانه بودند و شبها در زیر کند و زنجیر روزی اموال بتالان و تاراج رفت و وقتی در زیر شکنجه افتادند دمی بقربانگاه عشق شتافتند و یومی بر فراز دار یابهاء ابهی بلند نمودند آنان مؤمن و ممتحنند و شمعهای روشن هر انجمن لهذا آرزوی عبدالبهاء لقای یاران ایرانست ولی چون موانع مجبره در میان لهذا از خاور بباختر سفر مینماید

مکتوبی که باقا سید اسدالله مرقوم نموده بودید بدقت ملاحظه گردید فی الحقیقه همانست که مرقوم نموده‌اید حال ایران مورث احزان است و از انقلابات متابعه و مخاصمات غرضکارانه و تشویش افکار و تخدیش اذهان چشم گریان و قلب سوزانست ولی ایرانیان بدست خود بنیاد خویش برانداختند زیرا متابعت آیات منسوخه و حجج ناقصه مسموخه یعنی علمای رسوم نمودند و خود را بیلای محتوم انداختند جندی را که سردار آیت متشابهه و علمدار حجّت الاسلام غیر بالغه باشد البتّه بخسف و نسف مبتلا گردد و مظهر جند هنالک مهزوم من الأحزاب گردد آنچه نصیحت شد نفسی اصغا نمود و آنچه فریاد برآمد شخصی استماع نکرد لهذا آن قوم مستغرق در نوم مبتلا باین لوم گشتند و هنوز بیدار نشده‌اند تا فریاد برآرند و بگویند ربنا انا اطعنا سادتنا و کبرانا فأضلونا السبیل بکرات و مرات این آیات منسوخه این امت را مسموخه کردند و هنوز اهل ایران دست بدامان آنانند باری شما دعا کنید من نیز بدرگاه احدیت تضرع و زاری نمایم و ایران را سکون و قراری طلبم امیدم چنانست که آن شخص بزرگوار موفق بحسن انتظام و راحت و قرار ایران گردد الحمد لله رئیس اشرار بیحیا آشکار گردید و معلوم شد که فتنه و فساد سری از چه مصدریست ولی چه فائده که صدر همکار شفیع آن بدکردار شد در لسان ترکی حکایت کنند که شیخ نصرالدین را دو گوساله بود یکی فرار کرد گوساله دیگر را بضرپ چوب اذیت مینمود سؤال نمودند چرا این گوساله را میزنی گفت بجهت اینکه رفیقش فرار کرده گفتند این که فرار نکرده رفیقش فرار نموده گفت شما نمیدانید اگر این فرصت یابد از او در گریختن چابکتر است باری این صدر ایران را زیر و زبر نمود و هنوز ایرانیان ندانند که این بوم شوم چه آفتی و چه نکبتی از برای ایران محروم بود و علیک البهء الأبهی ع ع

---

این سند از کتابخانه مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۲ اکتبر ۲۰۲۳، ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر